

گفتمان اسلام‌گرای دموکرات در مصر جدید؛ از قیام ژانویه ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۲

حسن مجیدی*

جبار شجاعی**

چکیده

قیام ۲۰۱۱ مصر، زمینه‌ساز شکل‌گیری و یا رشد گفتمان‌هایی در مصر شده است که هرکدام با برجسته‌سازی خود و به حاشیه‌رانی رقیب، سعی در هژمون‌سازی منظومه گفتمانی خود داشته‌اند تا از این طریق دال‌های شناور حوزه گفتمان‌گونگی رقبای خود را در چارچوب ساختار گفتمانی خودش معنا بخشیده و هویتی تازه خلق کنند. از جمله این گفتمان‌ها که توانست با هژمون‌سازی خود (هرچند به‌طور موقت)، اولین انتخابات رسمی در مصر جدید را به نام خودش رقم بزند، «گفتمان اسلام‌گرای دموکرات» بوده و با توجه به روند ظهور و سقوط این گفتمان، این پرسش مطرح است که منطق گفتمانی و دال‌های هویت‌بخش، اصول و مؤلفه‌های گفتمان اسلام‌گرای دموکرات در مصر چیست و احزاب و گروه‌های سیاسی معرف این گفتمان کدام‌اند؟ می‌توان گفت منازعه گفتمانی و ناتوانی هر یک از گفتمان‌ها برای استقرار و تثبیت و نبود زمینه فراگیری هر یک از گفتمان‌ها از جمله گفتمان‌های اسلام‌گرای اقتدارگرا، سکولار دموکرات و سکولار اقتدارگرا صحنه مصر را تا مدت‌ها دستخوش ناآرامی می‌کند. روش - نظریه مقاله حاضر، تحلیل گفتمان لاکلا و موفه است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد: گروه‌هایی که در ذیل گفتمان اسلام‌گرای دموکرات تعریف شدند، از جمله اخوان المسلمین، با ارائه قرائتی نواز اسلام سیاسی، در مقطعی بعد از مبارک در مصر خود را به کرسی ریاست رساندند؛ اما ناتوانی آن‌ها در هویت‌بخشی به دال‌های شناور بسیار در حوزه گفتمان‌گونگی شان و نبود فراگیری این گفتمان، مهر سقوط بر عملکردشان زد.

واژگان کلیدی

مصر، قیام ۲۰۱۱، اسلام‌گرای دموکرات، اخوان المسلمین

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) Majidi118@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران دانشگاه شاهد تهران
jabarshojaei@yahoo.com

مقدمه

در تاریخ معاصر جریان‌های اسلام‌گرا در مصر، راه حرکت بخش معتابیهی از گروه‌های اسلام‌گرا در جهان اسلام را ترسیم می‌کرده است. اسلام‌گرایان این کشور، جایگاه مهمی بین گروه‌های اسلام‌گرای جهان عرب داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین چالش اسلام‌گرایان مصر، مقوله دموکراسی و حضور در عرصه سیاسی به معنی نظام‌سازی بوده است. اخوان المسلمین به‌منزله مهم‌ترین گروه اسلام‌گرای مصر با همراه شدن با موج قیام مردم مصر که پیوند میان اسلام و دموکراسی را خواستار بودند برای مقطعی کوتاه بعد از سقوط مبارک، قدرت را در مصر به دست آورد و حزب آزادی و عدالت را به‌منزله نیروی پیش‌برنده دولت جدید خود بنا نهاد. قیام در راه دموکراسی خواهی تا حکومت مرسی هم ادامه یافت و اما اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف در بین اسلام‌گرایان و عملکرد ناموفق دولت مرسی، زمینه‌ساز سقوط وی شد. لذا سؤال اینجاست که دال‌ها و مؤلفه‌های گفتمان اسلام‌گرای دموکرات در مصر - پس از تحولات ۲۰۱۱- چیست و چه گروه‌هایی از این منطق گفتمانی تبعیت کردند؟ این مقاله می‌کوشد با پاسخ بدین سؤال به تحلیل چرایی سقوط گفتمان اسلام‌گرای دموکرات و ناکامی دولت مرسی کمک کند. به نظر می‌رسد فراگیر نبودن این گفتمان و ناکامی در ایجاد پیوند وثیق میان دال‌های این گفتمان و نادیده گرفتن وزن دیگر گفتمان‌ها در سقوط گفتمان اسلام‌گرای دموکرات در مصر مؤثر بوده است.

چارچوب نظری و روش: تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

گفتمان: کلیت ساختاردهی شده حاصل از عمل مفصل‌بندی است. گفتمان‌ها مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که به شیوه‌ای معنادار با هم مرتبط شده‌اند. در واقع گفتمان صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیا، افراد و... هستند که پیرامون یک نقطه کانونی تثبیت شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند؛ بنابراین معنا و مفهوم انسان از واقعیت همواره گفتمانی است (تاجیک، ۱۳۸۷، ص ۹۷). گفتمان را در نظریه فرهنگی مدرن و پست‌مدرن، دال بر وجود پیکره یا مجموعه‌ای از گزاره‌ها و قضایای منسجم و به‌هم‌پیوسته دانسته‌اند که با تعریف

و مشخص کردن یک موضوع، شیء یا محمول و با ایجاد مفاهیمی برای تحلیل آن موضوع یا محمول، ارزیابی دقیقی از واقعیت ارائه می‌دهد (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۳۲).

گفتمان سیاسی، منظومه فکری و حوزه نگرشی حاکم بر فضای ذهنی اندیشمندان و گروه‌های سیاسی در یک دوره زمانی مشخص که کنش سیاسی آن‌ها را مشخص می‌سازد. در نگاه لاکلابی به تحلیل گفتمان، جهان اجتماعی در قالبی از معنا ساخته می‌شود. این ساخت به وسیله زبان که هم سازنده واقعیت است و هم ترسیم‌گر آن، صورت می‌گیرد. از این‌رو، نیل به واقعیت به وسیله زبان ممکن است. باین‌همه، به نظر می‌رسد ارتباط گفتمان با واقعیت، ارتباطی دیالکتیک باشد؛ چراکه الزامات و اقتضائات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توانند نوع خاصی از گفتمان را مطالبه و آن را حاکم کنند. آنان گفتمان را صرفاً ترکیبی از «گفتار» و «نوشتار» نمی‌دانند، بلکه این دو خود اجزای درونی جامعیت (کلیت) گفتمانی فرض می‌شوند. گفتمان در این مفهوم تأکیدی است بر «واقعیت» که هر صورت‌بندی اجتماعی دارای معنی است. در واقع گفتمان در این بیان، نه تنها جای «ایدئولوژی» که جای «اجتماع» می‌نشیند و آن را به مثابه نوعی متن تصور و تحلیل می‌کند (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۳۷). در این نگاه، گفتمان‌ها در تعامل و تقابل با دیگر گفتمان‌ها نظام معنایی خود را بازسازی می‌کنند. این معنا بخشی و هویت‌سازی، در یک منظومه ارتباطی بین دال‌های شناور گرداگرد دال مرکزی صورت می‌گیرد که در تنازع با گفتمان‌های رقیب شکل گرفته است. شکل‌گیری تحولات سال ۲۰۱۱ در مصر، سرآغازی بر پیدایش گفتمان‌هایی نو بوده است که هرکدام زنجیره هم‌ارزی خود را متشکل از دال‌های شناور در حوزه گفتمان‌گونی رقیب قرار داده و با هویت‌سازی جدید، نوعی منطق گفتمانی شکل می‌دهد که گروه‌ها و احزابی چند، از آن خط می‌گیرند. یکی از گفتمان‌هایی که در این منازعه ظهور یافته و از همان روزهای اولین انقلاب در صدد به دست گرفتن نظام سیاسی بوده و است، گفتمان اسلام‌گرای دموکرات است که در تقابل با سکولارها حیات یافت و امروزه علاوه بر چالش با این دسته، اسلام‌گرایان اقتدارگرا را نیز سد راه خود می‌بیند؛ در ادامه منظومه گفتمانی گفتمان یادشده و صورت‌بندی دال‌های آن را یادآور می‌شویم:

گفتمان اسلام‌گرای دموکراتیک

با ظهور بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان عرب و به‌طور ویژه کشور مصر - که همواره شاخص کشورهای اسلامی جهان عرب بوده است - و هم‌زمان با سقوط گفتمان اقتدارگرای سکولار که نظام حسنی مبارک مصداق بارز آن بود، اسلام‌گرایان این کشور، با تأکید بر خألهای سیاسی گفتمان پیشین، توانستند که نظام معنایی خود را که همان اسلام سیاسی بود، احیا کرده و تلاش کردند تا از این طریق وضعیت آرمانی و مطلوبی که نظام گفتمانی آنها پیگیر آن است، ترسیم نمایند. بدین ترتیب، توانستند با معنا بخشی به این دال‌های خالی و تصویرسازی از نظام گفتمانی خود، دال‌هایی شناور را در عرصه اجتماع (که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد) از طریق فرایند هم‌ارزی در کنار هم قرار داده و با مفصل‌بندی آنها حول دال مرکزی خود که همان اسلام سیاسی بوده، به خود، افراد و مجموعه‌های مربوط به گفتمان‌شان هویت بخشند. از این‌رو داعیه‌داران تشکیل نظام مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی، به بازخوانی اندیشه‌های خود جهت هم‌گونگی با مؤلفه‌های حکومت‌داری پرداخته و بر این اساس، نقاط ضعف خود به حاشیه راندند و همچنین نقاط قوت رقیب - که البته در نظام پیشین این نقاط قابل توجه نبودند - را تضعیف کنند تا از این طریق با برجسته‌سازی نقاط قوت خود، هم رقیب را به حاشیه گاه تاریخ سوق دهند و هم گفتمان خود که بر اصل مردم‌سالاری تأکید داشت، هژمون کنند.

همان‌طور که پیش‌ازین نیز، اشاره داشتیم، گفتمان اسلام‌گرای دموکرات که حول دال مرکزی «اسلام سیاسی» به مفصل‌بندی مقوله‌هایی چون دین، دموکراسی و جامعه مدنی پرداخت، نظام آرمانی و مطلوب خود که گفتمان‌ش را نماینده تحقق چنین اندیشه‌ای می‌دانست، مردم‌سالاری نامیده بود.

فلسفه شکل‌گیری اسلام‌گرای دموکرات، به اجتماع عناصر بسیاری بازمی‌گردد که پیش‌ازین تحولات در نظام گفتمان‌گرای سکولار اقتدارگرای حاکم بر مصر، جای خود را نیافته بودند؛ از جمله این دال‌های خالی که گفتمان پیشین نتوانست تا آنها را از عنصریت به وقتگی سوق دهد، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. بازیابی کرامت جمعی

ثروت‌اندوزی، ارتشا و بهره‌گیری از رانت‌های حکومتی از جمله ویژگی‌های نمایان حکومت مبارک بود. ناظرانی که به بررسی اوضاع اجتماعی مصر در سال‌های اخیر پرداخته‌اند، بر نهادینه شدن فساد، رشد هولناک میزان جرائم، بی‌اعتنایی عمیق به کرامت انسانی، افول رفتارها و ارزش‌های جامعه و تغییر در نظام ارزشی جامعه که به‌ویژه در جرائم خشونت‌آمیزی که توسط معلمان، دانش‌آموزان، تجار و سایر اعضای طبقه متوسط منعکس می‌شود (ابودوح، ۲۰۱۱)، تأکید کرده‌اند (ناجی، ۲۰۱۴، ص ۴۰). یک چنین مشکلی، فضا را برای گفتمان‌های رقیب آماده ساخته بود تا با برجسته‌سازی چنین اموری، راهکارهایی برای برون‌رفت از منجلاب عزت‌گشی مردم مصر ارائه دهند.

۲. شکل دادن به الگویی کارآمد از مدیریت اقتصادی و اجتماعی

از زمانی که انور سادات، سیاست اقتصادی درهای گشوده را برگزید، سطح زندگی مصری‌ها به نحو چشمگیری تنزل یافته است. حذف یارانه‌های کالاهای اساسی که بنا بر پیشنهاد بانک جهانی و در جهت ادغام مصر در اقتصاد جهانی صورت گرفت، ناآرامی‌های معروف به «انتفاضه نان» را در پی داشت. این امر در کنار گسترش نارضایتی‌های داخلی ناشی از صلح با رژیم صهیونیستی منجر به کاهش شتاب آزادسازی اقتصادی شد. باین‌حال این جریان هیچ‌گاه متوقف نگشت. این مشکلات، با رشد روزافزونی در دوران مبارک نیز وجود داشتند. پیشبرد آزادسازی اقتصادی در جوامع فاقد نظام نظارت و موازنه‌ها، به گسترش فساد در حکومت و لایه‌های نزدیک به نخبگان حاکم می‌انجامد. مصر نیز از این قاعده مستثنی نیست. سهم بخش خصوصی از GDP مصر از ۳۰ درصد در ۱۹۹۱ به ۸۰ درصد در ۲۰۰۶ افزایش یافت، اما گسترش خصوصی‌سازی از آنجاکه در شرایط فقدان حکومت قانون و عدم نظارت عادلانه بر دستمزدها صورت می‌گرفت، از یک‌سو شکاف‌های اقتصادی - طبقاتی را بالابرد، امکان تحرک اجتماعی را برای نسل‌های جوان پایین می‌آورد و از سوی دیگر به گسترش فساد اداری و اقتصادی در میان نخبگان حاکم و ژنرال‌های سابق (تجار امروز) می‌انجامد (کریم، ۲۰۱۳، ص ۱۲۳).

۳. آزادی اجتماعی - سیاسی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مصر که موجب نارضایتی مردم شد و زمینه‌های قیام مردم مصر را فراهم آورد، ساختار سیاسی استبدادی، فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان بود. ویژگی مهم دیگر حکومت مبارک که باگذشت زمان چشمگیرتر به نظر می‌رسید، شخصی بودن قدرت بود؛ به گونه‌ای که تمام قدرت در شخص مبارک متمرکز شده بود و نهادهای سیاسی، از جمله نهاد ریاست‌جمهوری کارکرد خود را از دست داده بودند (العودة، ۲۰۱۲، ص ۳۹). تارک عثمان در این باره می‌گوید:

«در دهه اول قرن بیست و یکم دیگر نهاد ریاست‌جمهوری به مانند دوران سادات و ناصر یک مرکز عصبی پر قدرت حکومتی مملو از مشاوران برجسته و روشنفکرانی که با بیشتر مراکز فکری جامعه ارتباط دارند، نبود، بلکه نهاد ریاست‌جمهوری تنها به یک ساختار اجرایی پیرامون شخص رئیس‌جمهور تقلیل یافته بود» (Tarek, 2010, pp.186-187).

۴. استقلال ملی

تسلط کشورهای غربی و به ویژه آمریکا در ساخت قدرت سیاسی و امنیتی کشورهای جهان عرب، یکی از نقاط مشترکی است که در کشورهای محل ظهور بیداری اسلامی وجود داشت. به عنوان مثال، تعهد آمریکا به تأمین امنیت دائمی رژیم صهیونیستی باعث می‌شد که آمریکایی‌ها برای حضور در ساختار سیاسی و امنیتی کشور مصر، به منظور جلوگیری از رشد عناصر ضد صهیونیستی و تقویت جریان‌های سازشگر در میان حاکمان این کشور تلاش و افری کنند (ذوالفقاری، ۱۳۹۰). از این رو و به اذعان بسیاری از تحلیلگران، یکی از دلایل اصلی قیام مردم مصر، مقابله با سیاست‌های نژادپرستانه رژیم صهیونیستی و حمایت‌های آمریکاست (اکبری نورآبادی، ۱۳۹۱، صص ۹۰-۱۵۰). نظرسنجی مؤسسه «زاگیبی اینترنشنال» به خوبی ماهیت ضدآمریکایی جنبش‌های مردمی در خاورمیانه به ویژه مصر را هویدا می‌سازد.^۱

۵. بین‌المللی‌گرایی با حفظ هویت عربی - اسلامی

دولت مصر به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوان در سه دهه گذشته تبدیل به دولتی وابسته به کمک‌های خارجی شده بود و همین امر باعث شده است که این کشور نتواند نقشی متناسب با موقعیت خود در منطقه ایفا کند و اساساً به‌نوعی ذلت در مقابل دولت‌های غربی به‌خصوص آمریکا و هم‌پیمانانش تن دردهد. یک چنین شرایطی برای مردم مصر که خود را به‌مثابه سنگ آسیاب جهان عرب و ملی‌گرایی عربی می‌دانند، بسیار سنگین می‌آمد از سوی دیگر، مبارک و کارگزاران نظام او، در روابط خود با کشورهای دیگر، ارزش‌های اسلامی حاکم بر جامعه مصر - جامعه‌ای با اکثریت مسلمان - را نادیده می‌انگاشتند؛ از این‌رو، نه تنها با کشورهای اسلامی منطقه سرسبز داشت که دیگرانی چون رژیم صهیونیستی و آمریکا را در تخریب چهره بین‌المللی آن‌ها و ضربه زدن به این کشورها در تمامی عرصه‌ها، همراهی و مساعدت می‌کرد (لیلة، ۲۰۱۲، ص ۱۲۸).

یک چنین خلأهایی - که البته این‌ها، تمامی شکاف‌های اجتماعی مصر تا شروع قیام ۲۰۱۱ نبوده است - سبب شد که گفتمان حاکم، نتواند دوام و ثبات لازم را داشته باشد. از این‌رو و پس از قیام مردمی گسترده، گفتمان اسلام‌گرایی توانست حول چنین دال‌هایی، نظام معنایی خود را توسعه بخشیده و با ترسیم جامعه آرمانی خود و ایجاد اجماعی نسبی، هژمونیک شده و زمینه را برای شالوده‌شکنی گفتمان حاکم فراهم و نوعی مفصل‌بندی جدیدی را با مرکزیت «اسلام سیاسی» شکل دهد.

پس می‌توان گفت که ظهور دوباره گفتمان اسلام‌گرایی در مصر، ثمره بی‌قراری‌های ساختاری است که نظام مبارک رقم زده بود. این گفتمان هم تلاش کرد تا ضمن تبیین شرایط بی‌قراری اجتماعی مبارک، مؤلفه‌های معنایی خود را بازنمایی کرده و تلاش کند تا پاسخی همه‌پسند را به بحران‌ها و مشکلات موجود ارائه کند. نتیجه این شد که گفتمان اسلام‌گرایی دموکرات، توانست با بازسازی آرمانی فضای اجتماعی، ضمن بازخوانی گفتمان خود، نیروها و نشانه‌های ناپایدار را مفصل‌بندی و تلاش کند تا یک عینیت اجتماعی جدید بسازد. این شرایط عینی را می‌توان در تأکید بر مفهوم «مردم‌سالاری» شاهد بود چراکه اسلام‌گرایان می‌خواستند تا خود را همسو با شرایط زمانه و نو نشان دهند. به‌هرحال، نتیجه این شد که اخوانی‌ها، علم اسلام‌گرایی را از دست جوانان انقلابی گرفته و در شرایط کاملاً بحرانی، نظامی

مطلوب را مبنی بر اینکه اخوان المسلمین سابقه طولانی مبارزاتی دارد و منظومه‌ای واحد است، ارائه دادند.

این گفتمان، توانست صحنه نزاع گفتمانی دوران گذار به زمان پسامبارک را به سود خود تغییر داده و با قرار دادن دال‌های یادشده در زنجیره‌ای هم‌ارز باهم، نوعی تلاطم گفتمانی بین رقبایش ایجاد کند. اگرچه در این دوران اخوانی‌ها توانستند تا با هژمون‌سازی گفتمان خود و تسلط هویت تازه‌تأسیس گفتمانی‌شان، پیکره‌بندی جدیدی شکل داده و ریاست را به دست بگیرند، ولی جایگاه این قدرت هژمون، از همان ابتدا مستحکم نبوده است؛ چراکه برنامه‌های انتخاباتی آن‌ها به گونه‌ای نبود که نظام معنایی آن‌ها را چنان وسیع نشان دهد که نیروهای سکولار را هم با خود همراه سازد. به همین خاطر، «دگری»‌های بسیاری برای اخوان شکل گرفت که هم اخوان تلاش داشت تا آن‌ها را از اطراف کیک قدرت دور گرداند و هم این «غیر»‌ها، می‌کوشیدند تا با به کار گرفتن قدرت، دگری خود را طرد و خودشان را متجلی سازند. از این رو، شاهدیم که دوره جدیدی از منازعات گفتمانی در این زمان شکل گرفت که اتحاد گفتمانی دوران قیام را بر باد داد. علت شکل‌گیری چنین صحنه‌ای از تنازع هم این بود که در نخستین سال‌های پس از ریاست مرسی، مرزهای این گفتمان در تقابل با دیگر گفتمان‌ها شکل گرفته و نشانه‌های اصلی آن‌که با نشانه‌های هویتی گفتمان انقلاب همسویی نداشتند، نمایان گشت. اخوان‌گرایی، یکی از جنجال‌برانگیزترین مفهوم‌ها و نشانه اصلی آن، می‌رفت تا به تثبیت قانونی هم برسد (شعب، ۲۰۱۵، ص ۱۱۷). یک چنین فضایی، آنگاه که در کنار اقدامات رادیکال مرسی قرار می‌گرفت، موجی از مفصل‌بندی‌های جدید را علیه او به راه انداخت.

با تصویب قانون اساسی، اسلام سیاسی در عمل تثبیت شد و زمان آن فرارسید تا این گفتمان، رقبیان را یک‌به‌یک به حاشیه رانده و برای مدتی طولانی، خودش ساماندهی جامعه را در اختیار بگیرد. ولی گفتمان‌های مخالف که حقانیت خود را بیش از رقیب می‌دانستند، حاضر به واگذاشتن عرصه سیاست نبودند. از این رو، همان‌طور که اشاره کردیم، فرآیند منازعه‌های گفتمانی همچنان ادامه پیدا کرد و گفتمان‌هایی که نتوانسته بودند خواسته‌ها و نشانه‌های خود را در قانون اساسی تجلی بخشند، به مقاومتی سرسختانه برای بقا و جلوگیری از تثبیت رقیب دست زدند. فرآیند طرد و مقاومت که تا حدود یک سال ادامه پیدا کرد، جامعه مصر را تا مرز

فروپاشی پیش برد ولی سرانجام گفتمان سکولار اقتدارگرا با پیروزی بر رقیبان، سامان‌دهی جامعه را در اختیار گرفت. از این رو، شاهد سقوط گفتمان اسلام‌گرایی دموکرات هستیم. به هر حال، در گفتمان اسلام‌گرایی دموکراتیک، گره‌گاه و بست، اسلام سیاسی است که تلاش می‌کند تا هر چه بهتر با زیست‌بوم اجتماعی خود تطابق داشته باشد؛ از این رو، سعی دارد تا در مفصل‌بندی خود، واقعیت اجتماعی جامعه مصر را به خوبی در نظر داشته باشد. بدین ترتیب، الزامات و اقتضائات اجتماعی، فرهنگی و تاریخی جامعه مصر را در کنار کمبودهای موجود که نواقص دیگر گفتمان‌ها و به‌طور ویژه عناصر سیال در مجموعه گفتمان‌های گوناگونی گفتمان‌های رقیب می‌باشند، قرار داده و نظام معنایی خود را با دال‌هایی که در اطراف دال مرکزی شاهد آنیم، نظامی کارآمد و توانمند در جهت برون‌رفت از مشکلات جامعه ارائه کند. نتیجه این کنار هم قرار دادن مؤلفه‌هایی که پیش‌ازین، هر کدام معنی و مفهوم خاص خود را داشته و اساساً، حیات معنایی آن‌ها چارچوبمند و یا این‌گونه قالب‌بند نبوده است، شکل‌گیری هویتی جدید است که این هویت جدید، خود به دنبال نشر، تثبیت و القای مؤلفه‌ها و اصول گفتمانی‌ای است که در ادامه به این مؤلفه‌ها اشاره خواهیم داشت.

بنابراین، در ادامه سعی می‌شود تا در قالب اصول و مؤلفه‌های حاکم بر این گفتمان، هر کدام از محورها را شکافته و با تدقیق بیشتری تشریح کنیم تا ماهیت این قرائت از اسلام بهتر روشن گردد:

۱-۱. اصول و مؤلفه‌های حاکم بر گفتمان اسلام‌گرای دموکراتیک



نمودار شماره ۱. اصول و مؤلفه‌های حاکم بر گفتمان اسلام‌گرای دموکراتیک

۱-۱-۱. نشر مفاهیم و ارزش‌های اسلامی

دین و به‌طور مشخص دین اسلام، از جمله خطوط چهرهٔ مصر پس از انقلاب بوده است که خود این ظهور، موجب گشته تا بسیاری از اطراف و گروه‌های سیاسی - چه در داخل و چه خارج از مصر - ندای زنگ خطر مبنی بر این سر دهند که جهت انقلاب و مطالبات آن، می‌رود که به انحراف کشیده شود. از این رو، اسلام‌گرایان میانه‌رو که شامل گروه‌هایی چون اخوان المسلمین و جدانشدگان از آن و همچنین شعبه‌های مختلف جوانان اخوانی رهبر

اعتراضات و گروه‌های صوفی مصر بودند، از همان ابتدای مسیر، نرمش و تدرج را سرلوحه کنش خود قرار دادند.

آنچه مهم است، این موضوع است که از آغاز تحولات، مشی دموکراتیک، بر بنیان گفتمان اسلام‌گرای میانه‌رو مسلط بوده است. از جمله اصول و مؤلفه‌هایی که گروه‌های پیرو این گفتمان از پس از انقلاب به‌طور جد-چه صریحانه بیان کنند و چه نه-پیگیر آن هستند، انتشار ارزش‌های اصیل اسلامی در سطح جامعه مصری است. اگرچه چنین منشی پیش از ژانویه ۲۰۱۱ توسط تمامی این گروه‌ها دنبال می‌شد، لیکن امروزه گفتمان یادشده خواهان این است تا قرائتی از ارزش‌های اسلامی ارائه دهد که با نظام دموکراسی و هویت عربی مردم مصر تضاد نداشته باشد (عبداللطیف، ۲۰۱۲، صص ۲۱۷-۲۳۹).

۲-۱-۱. مردم‌سالاری

از همان ابتدای شروع تحولات و در طول اعتراضاتی که به انقلاب منجر شد، شاهد نوعی مشی دموکراتیک از سوی اسلام‌گرایان میانه‌رو هستیم. برای نمونه، شاهد آنیم که مسلمانان با قبطیان در برخی مواقف همسو و هم‌جهت عمل می‌کنند و نظام کنشی آن‌ها در یک‌سو تعریف می‌شود. اگرچه گفته می‌شود که چنین امری، از ترس به حکومت رسیدن نظامیان و نیروهای امنیتی بوده است و حریه اسلام‌گرایان بوده، ولی خود این، نشان از مسلک دموکراتیک اسلام‌گرایان دارد (الشوبکی، ۲۰۱۴، ص ۲۳۸).

برای نمونه، فهمی هویدی می‌گوید: «اسلام‌گرایان مصری که شاهد استبداد، حکومت فردی و اداره نامطلوب و ناکارآمد کشور بوده‌اند، به‌مثابه تنها نقطه امیدواری در اصلاح زندگی سیاسی، درصدد ایجاد حکومتی توانمند و دولت مسئول در مقابل مردمان این کشورها می‌باشند. واقعیت آن است که اکثریت عظیم اسلام‌گرایان مصری هرگونه توسل به خشونت را رد کرده و فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌جویانه را دنبال می‌نمایند» (هویدی، ۱۳۹۰).

۳-۱-۱. قانون‌گرایی

از دیگر اصول حاکم بر این گفتمان، قانونمندی است. این نگرش، در دو بعد خود را نشان می‌دهد؛ یکی حاکمیت قانون در عرصه عمومی جامعه؛ به این معنی که قانون سراسری جامعه

مصر، اساس و پایه جهات و جوانب حکمرانی و جامعه مدنی است. دیگری، قانون به مثابه دین است. به این معنی که دین اسلام، خود قانونی نانوشته است؛ لذا جهت گیری های سیاسی و خود قانون عمومی کشور، نباید از دایره این قانون تجاوز کند. به همین سبب، قانون گرایی مدنظر این گفتمان، نوعی قانون گرایی است که اساس دینی داشته باشد. از این رو، از جمله مطالبات آن ها در تظاهرات منتهی به انقلاب ۲۰۱۱، تغییر قانون اساسی و ابتدای آن بر شریعت اسلامی بود.^۲

یک چنین نگرشی سبب شد تا به محض روی کار آمدن اسلام گرایان به رهبری اخوان و با نمایندگی محمد مرسی، تغییر قانون اساسی، در سرفصل اقدامات ضروری و دارای اولویت قرار گرفت^۳ گرچه آن ها نتوانستند چنین اندیشه ای را به تمام و کمال عملی سازند، ولی خود اصرار بر اجرای آن، دال بر این بوده و است که قانونمندی در سپهر اندیشگانی این گفتمان، تنها یک نظریه پردازی روتین و معمولی نیست بلکه در یک چارچوبی منطقی جای می گیرد که معنای خود را از همان منطق گفتمانی اخذ می کند (الشقیفی المارینی، ۲۰۱۵، ص ۲۰۰).

۴-۱-۱. عدالت اجتماعی

یکی از مقوله هایی که گفتمان اسلام گرای دموکرات، نظام گفتمانی خود را به آن سو ترسیم می سازد و در تلاش است تا آن را با منطق گفتمانی خود معنا داده و در طیف مفصل بندی خود قرار دهد، عدالت اجتماعی است. از این رو، برخی از احزاب اسلام گرا با منطق گفتمان دموکراتیک، تحقق عدالت اجتماعی را سرفهرست اهداف خود از تأسیس و یا بازخوانی حزبشان قرار دادند (ابوطالب، ۲۰۱۵، ص ۷۶). به همین خاطر، شاهدیم که بنیان گذاران حزبی چون حزب الوسط (به عنوان حزبی اسلام گرا با منشی دموکراتیک) در اظهار نظرهای خود تأکید کرده اند که «اگرچه ایمان داریم که عدالت یک شبه محقق نخواهد شد و نیازمند کار منظم، تلاش و اراده است اما دست کم، سه عامل را موجب تحقق عدالت اجتماعی در مصر می دانیم: یک؛ تعیین حداقل دستمزدها؛ دوم، حمایت از صنایع داخلی و سوم، اجرای طرح های تولیدی که موجبات فراهم آمدن فرصت های شغلی شود».^۴

۱-۱-۵. رشد و توسعه اجتماعی - فرهنگی

گفتمان مزبور، خواهان آن است که علاوه بر بالا بردن شاخص‌های مختلف توسعه انسانی، امید به زندگی (نرخ باسواد و درآمد سرانه)، یک نکته مهم‌تر نیز در توسعه انسانی این کشور مورد توجه قرار گیرد و آن عدالت اجتماعی در توزیع این شاخص‌ها در سطح کشور است (خاکپور و باوان پوری، ۲۰۱۰، ص ۱۸)؛ بر این اساس، بر مواردی چون «تعلیم و تربیت و گسترش و ارتقای سطح سواد و به دنبال آن مبارزه با بی‌سوادی، نظارت بر امور طبیعی کشور - به‌عنوان منبع درآمد مصر - وضعیت خانواده و به‌خصوص جوانان، حفظ محیط‌زیست، وضعیت مسکن و جلوگیری از رشد قارچی قبرستان خوابی و نشر فرهنگ اصیل اسلامی - عربی اصرار می‌ورزد و برای نیل به آن، استراتژی‌ها و برنامه‌هایی جامع و شامل تدوین کرده‌اند که نمود عینی آن را می‌توان ذیل راهبردهایی که تحت عنوان «پروژه نهضت» از سوی اخوان‌المسلمین ارائه شد، مشاهده کرد» (حندوسه، ۲۰۱۰، صص ۶-۸).

۱-۱-۶. توسعه اقتصادی

اسلام‌گرایان از همان شروع تحولات و پس از انقلاب، نیک دریافتند که بیش از یک سال است که چرخ‌های اقتصادی کشورشان کند و در مواردی عملاً ایستاده است^۵ و اگر این اسلام‌گرایان نتوانند چرخ سنگین و متوقف‌شده اقتصاد مصر را به حرکت درآورند، تجمعات التحریر ممکن است به دنبال قربانی‌های دیگری برآیند (زیباکلام، ۱۳۹۰). بر این اساس، رشد و توسعه اقتصادی را به‌طور جد پیگیر بودند. اگرچه گروهی از همین اسلام‌گرایان، آنگاه که به قدرت رسیدند، به گفته تحلیلگران مصری و غیرمصری، اقتصاد این کشور را به نابودی کشاندند؛^۶ ولی برنامه کلیت گفتمان بر این است که باید تلاش کرد تا مصر را از رکود و حالت معلق اقتصادی به درآورد. بلتاجی در خصوص راه برون‌رفت از بحران‌های اقتصادی بیان می‌دارد: «اسلام برای خود، نظامی اقتصادی دارد که بر اساس مجموعه‌ای از مفاهیم چون صدقه، انفاق، قرض‌الحسنه و... شکل گرفته است. از این رو، اگر نظام‌های اقتصادی در کشورهای اسلامی، به سمت وسوی اقتصاد اسلامی سوق پیدا کند، در آینده مشکلات اقتصادی، گریبان‌گیرمان نخواهد بود؛ لذا دولتمردان جهان اسلام، باید تلاش بیشتری برای نشر و گسترش این مفاهیم و تحقق آن‌ها در عرصه عملی داشته باشند» (بلتاجی، ۲۰۰۵، ص ۳۲). لذا اخوانی‌ها بر این باورند که «جوهره

بحران اقتصادی مصر، در بحران اخلاقی و معنویت نهفته است؛ زیرا اغلب تولیدکنندگان، با کاهش شدید سطح فضیلت و فروپاشی‌های اخلاقی - که دستیابی به آن دشوار است - از تولید مفید بازماندند و در نتیجه - تولیدگران شریف - در برابر سودمندی یک عمل شریف و بهره حاصل از آن، به نوعی بی‌اعتمادی دچار شدند؛ بنابراین، وقتی سطح تولید پایین آمد، درحالی‌که چرخ مصرف همچنان به سرعت می‌چرخد، بحران اقتصادی بالا می‌گیرد» (خسروشاهی، ۱۳۹۲، صص ۶۷-۶۸).

۱-۱-۲. سیاست خارجی عزت‌مندانه

میدان گفتمانی گفتمان حاکم بر مصر تا پیش از انقلاب ۲۰۱۱، پر از عناصری بوده است که دستاویز گفتمان‌های نوظهور برای هژمونیک کردن خود و واسازی نظام معنایی گفتمان حاکم قرار گرفتند. آنگاه که دال‌های خالی گفتمان اقتدارگرای مبارک در کنار دو خلأ تخریب و تضعیف هویت عربی در عرصه خارجی و همچنین ترسیم سیاستی فعال و سازنده^۷ مبتنی بر اندیشه اصیل اسلامی^۸ و منطقه‌گرایی و توازن در روابط خارجی قرار می‌گیرد، نوعی مفصل‌بندی را شکل می‌دهند که سبب می‌شود تا جهت بردار سیاست خارجی گفتمان اسلام‌گرای دموکرات به سمت هویتی پویا در عرصه سیاست خارجی سوق یابد.

تأثیر این خصوصیت‌ها در عرصه خارجی را می‌توان در موضع این گفتمان در برابر نیروهای خارجی و کشورهای اسلامی منطقه دید (عویس، ۲۰۱۳، ص ۸۳)؛ از این رو، بسیاری از رهبران گروه‌هایی که منطق گفتمانی‌شان ذیل همین گفتمان تعریف می‌شود، بر «داشتن روابط عزتمندانه با کشورهای خارجی در چارچوب حفظ ارزش‌های اسلامی - عربی»^۹ و «دوری از رژیم صهیونیستی» تأکید می‌نمایند.^{۱۰}

۱-۱-۸. احیای عناصر هویت عربی

دوران مبارک را می‌توان برهه زوال و امحای هویت عربی - اسلامی و یا به تعبیری بهتر، تخریب سازواری فعال هویت عربی - اسلامی دانست. تحت چنین شرایطی، اسلام‌گرایان دموکرات، با برجسته‌سازی این نقطه ضعف، توانستند بخش معتناهایی از گروه‌هایی با منش ملی‌گرایی عربی را به خود جلب کرده و در لشکرگاه انتخاباتی خود جای دهند. اگرچه اخوان

به‌عنوان یکی از نمایندگان این گفتمان با تأکید بیش‌ازحد و غیرمعتولانه بر «هویت اسلامی» در کنار نگاهی گذرا بر ملی‌گرایی عربی، خود را به مهلکه زوال انداخت^{۱۱}؛ ولی گفتمان اصیل اسلام‌گرایی دموکرات، سعی دارد با برجسته‌سازی «همگونگی هویت عربی-اسلامی» که ریشه در تاریخ کهن فرهنگ مصر دارد، پویایی و کارآمدی نظام معنایی خود را نشان داده (عطوان، ۲۰۱۵) تا از این دریچه، بتواند در رقابت تخصصی با دیگر گفتمان‌ها، آن‌ها را در سرایشی فروپاشی قرار دهد (عبداللطیف، ۲۰۱۲، ص ۲۲۳).

دو عنصر مربوط به هویت عربی که این گفتمان بر آن تأکید دارد و بران است تا ضمن احیای آن‌ها، سازندگی و پویایی لازم را به آن دو برگرداند، یکی «زبان عربی» است (الریسونی، ۲۰۱۳، ص ۵۴) و دیگری «پیشینه تاریخی و تمدنی قومیت عربی»^{۱۲}.

۱-۱-۹. جامعه مدنی کارآمد

دال خالی جامعه مدنی سازنده و پویا در عرصه اجتماعی کشور، گروه‌های سیاسی جدیدالتأسیس مصر را بر آن داشت تا با برجسته‌سازی این ضعف و به حاشیه راندن برخی فرصت‌هایی که هرچند برای نزدیکان ریاست جمهوری تجویز شده بود، هویتی تازه به این دال از طریق اندماج آن در نظام گفتمانی خود بخشیده و ضمن توجه به مشکلات جامعه مدنی، راهکارهایی را برای برون‌رفت و توسعه کارآمدی آن ارائه دهند.

از جمله مشکلات سد راه جامعه مدنی این کشور که مورد تأکید این گفتمان بوده و است، «غلبه نوعی مُردگی بر سراپرده جامعه مدنی است؛ چراکه سال‌ها دیکتاتوری و خفقان، مانع تنفس و حیات حداقلی آن‌ها بوده است» (یوسف، ۲۰۱۵)؛ بنابراین نیاز است تا ابتدا روح حیات به سازمان‌ها و نهادهای مربوطه بخشید؛ که گفتمان اسلام‌گرایی دموکرات، «آزادی عمل اجتماعی در چارچوب قانون اساسی و مبانی شرع اسلام را اساس قرار داده و بر حق زنان و جوانان برای حضور کارآمد در جامعه و سطوح مختلف حاکمیتی و همچنین احترام به حق اقوام و گروه‌های مختلف مذهبی-سیاسی مصر در عرصه سیاسی-اجتماعی» تأکید می‌دارند به همین خاطر است که می‌توان گفت نظام مفصل‌بندی‌ای که در این حوزه و برای معنا بخشی به جامعه مدنی، از سوی گفتمان یادشده، شاهد آنیم، نوعی امتزاج و توافق بین «بازار، دولت و جامعه مدنی» است که نمودهای چنین منشی را می‌توان هم در اظهارات رهبران این گفتمان

و هم در سرفصل برنامه فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و همچنین اقتصادی احزاب وابسته بدان شاهد بود (الفضیل، ۲۰۱۲، ص ۳۸).

۱-۱-۱. وحدت جامعه اسلامی و مسلمانان با تأکید بر وحدت مصر

اندیشه وحدت در مصر، با دیگر برداشتها در دنیای وحدت، تا حدودی متفاوت است علت هم آن است که فکر وحدت بخش در نظام مصری، می بایست بین ایدئولوژی قومی عربی، اقلیت دینی و اسلام‌گرایی حداکثری جمع کند.

سه ساحتی که بیان شد، حوزه نگره وحدتی گفتمان اسلام‌گرای دموکرات را نشان می‌دهد. این گفتمان بر این باور است که برای حفظ وحدت در مصر، نیاز است که شعله اسلام‌گرایی را در مقابل دیگر ابعاد چندان بالا نبریم؛ چراکه به همان اندازه که اسلام‌گرایی در مصر خواهان دارد، مطالبات دیگر قومیت‌های دینی و غیردینی هم جدی و شدید است. این فکر، در نظام گفتمانی مذکور بر ساخته می‌شود؛ لذا تطابق با بافت اجتماعی مصر، توسط اندیشه‌وران آن، مورد نظر است (عبدالقدوس، ۲۰۱۵).

۱-۱-۱. نفی خشونت و تأکید بر صلح‌طلبی

نفی خشونت و تأکید بر صلح‌گرایی، خروجی بلامنازع طبقه‌بندی حاکم بر گفتمان اسلام‌گرای دموکرات است. طرد خشونت‌طلبی از سوی این گفتمان خود دلایل متفاوتی دارد؛ که از آن جمله می‌توان به «مبانی ایدئولوژیکی این گفتمان، حذف تصویر ساخته‌شده از اسلام‌گرایان توسط قدرت‌مداران گذشته حاکم بر مصر و دشمنان اسلام و ترقی مصر و اشتباهات اقتدارگرایانه بخشی از اسلام‌گرایانی که داعیه‌دار همین نگرش بوده‌اند»^{۱۳} اشاره کرد.

خشونت‌طلبی اسلام‌گرایان اقتدارگرا که نماینده آن را سلفی‌های مصر و وهابیت و همچنین القاعده که برخی از رهبران اصلی آن روزگاری در مجموعه‌های اسلامی مصر بوده‌اند (ابراهیم، ۲۰۱۲، ص ۲۰۴)، اعضای داخل در این گفتمان را بر آن داشته است تا مفصل‌بندی گفتمانی خود را با نگاه به طرد کنش تکفیری تشکیل دهند.^{۱۴}

۱-۱-۱۲. حمایت از حقوق مردم فلسطین

مصر برای مدتی، به گنجی راهبردی برای رژیم صهیونیستی تبدیل شده بود ولی با وقوع تظاهرات همگانی در این کشور، در کنار شعارهایی چون وحدت عربی و اسلامی، بر «آزادی فلسطین» تأکید شد. جالب اینجاست که موضوع آزادی فلسطین نه فقط از سوی احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا که توسط نیروهای غیرمسلمان نیز سر داده شد. بدین ترتیب می‌توان گفت انقلاب ۲۵ ژانویه مصر، در پروسه تغییر مفصل‌بندی خود، در کنار مؤلفه‌هایی که به دور دال مرکزی گفتمان اسلام‌گرایی حلقه زدند و توانستند معنا و هویتی تازه بگیرند، اصلی چون حمایت از قضیه فلسطین و آزادی آن نیز بازخوانی شده و با قرار گرفتن در این مفصل‌بندی معنایی اسلام‌گرایانه اتخاذ کرد^{۱۵} که معتقد است برای تحقق چنین آرمانی، «نیاز است که ملت عرب و جامعه اسلامی همراه شده و با طرد رابطه و هم‌جهتی با رژیم صهیونیستی، زمینه پیروزی یادشده را فراهم آورد».^{۱۶}

۱-۱-۱۳. نفی رابطه با رژیم صهیونیستی

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که مبارزه با رژیم صهیونیستی و نفی رابطه با این کشور، از جمله دلایل برانگیختن مردم برای حضور در خیابان‌های قاهره و درخواست سقوط مبارک بوده است.^{۱۷} اسلام‌گرایان هم که از همان ابتدا طرد رژیم صهیونیستی را در لیست برنامه‌های خود داشتند- البته این موضع بین گروه‌های اسلام‌گرا، شدت و ضعف دارد- این ضعف نظام مبارک را دروازه‌ای برای ترسیم نظامی آرمانی بر مبنای «حفظ عزت عربی- اسلامی» قرار داده و توانستند طبقه‌بندی نویی از نظام معنایی با رد رابطه با این کشور شکل دهند.

۱-۱-۱۴. ایجاد حکومتی مبتنی بر رأی و مشارکت مردم

مؤلفه‌هایی که در بالا تشریح گشت و هرکدام خود جایگاهی محوری در کلیت نظام اندیشگانی گفتمان اسلام‌گرای دموکرات دارد، آنگاه که هویتی تازه با قرار گرفتن در نظام معنایی این گفتمان با مرکزیت اسلام سیاسی اخذ می‌کنند، تشکیل حکومتی را رقم می‌زنند که هدف جهتی گفتمان یادشده است؛ از این رو، فهمی هویدی بیان می‌دارد: «ایجاد حکومتی مردم‌سالار نظام آرمانی‌ای است که گفتمان اسلام‌گرای دموکرات به دنبال آن است» (زیدان، ۲۰۱۵، ص ۱۹۷). لذا شاهدیم که در این گفتمان، شناخت‌هایی که هرکدام، پیش از قرار گرفتن در این طیف‌بندی، به صورت

جدا از هم بوده و معنای خاص خود و به تبع هویتی پراکنده داشتند، به هم می‌پیوندند و نظامی را شکل می‌دهند که بر اساس رأی و مشارکت مردم حیات دارد. پس الگوهی به دال‌های سیالی که شرحشان رفته است، از سوی این گفتمان، رشته‌ای مستحکم به نام گفتمان اسلام‌گرای دموکرات را شکل داده است.

آنچه در سطور گذشته آمد، تبیین گفتمان اسلام‌گرای دموکرات و اصول حاکم بر نظام گفتمانی آن بود. این گفتمان، از سوی گروه‌هایی در سطح جامعه مصر پیگیری می‌شود که همگی حول همین دال مرکزی لیکن با قرائتی متفاوت از اصول مذکور هویت پیدا می‌کنند. اساساً، گروه‌ها در یک فضای گفتمانی شکل می‌گیرند و اگر هم پیش‌ازین حیات داشتند، هویت جدید خود را از فضای گفتمانی تازه تأسیس اخذ می‌کنند. از این رو، نمی‌توان گفت که این گروه‌ها، با چنین هویتی، به صورت پیشینی وجود دارند. با توجه به اینکه گروه‌ها، برساخته اجتماعی هستند، کل نگرش و برداشت اجتماعی آن‌ها از جامعه، در همان قالب و همراه با فضایی خواهد بود که هویت خود را از آن گرفتند. بدین ترتیب، شاهدیم که پس از قیام ۲۰۱۱، در مصر، گروه‌های بسیاری زیر بیرق گفتمان اسلام‌گرای دموکرات، در چرخش‌ها ناگفته‌نماند که تمامی این گروه‌ها، بر سر منازعه معنابخشی به افسانه «جامعه» شکل گرفته‌اند.

۲-۱. احزاب و گروه‌های سیاسی با گفتمان اسلام دموکراتیک

۱-۲-۱. اخوان المسلمین (حزب آزادی و عدالت)

در ۲۱ فوریه ۲۰۱۱ و تنها چند روز پس از سرنگونی «حسنی مبارک» به دنبال انقلاب ۲۵ ژانویه، «محمد بدیع»، رهبر جماعت اخوان المسلمین، تأسیس حزبی تحت عنوان «آزادی و عدالت» را به عنوان بازوی سیاسی این جماعت اعلام و تأکید کرد، با وجودی که این حزب دارای گرایش‌های اسلامی است، اما در آن به روی همه مصری‌ها از جمله مسیحیان باز است. پس از انقلاب ۲۵ ژانویه و سرنگونی رژیم حسنی مبارک، این گروه، تأسیس حزب «آزادی و عدالت» را اعلام و «محمد سعد الکتاتنی»، رئیس فراکسیون اخوان المسلمین در مجلس ۲۰۰۵ به عنوان وکیل و نماینده بنیان‌گذاران حزب برگزیده شد. پس از آن «محمد مرسی» به عنوان رئیس و «عصام العریان» به سمت نایب‌رئیس و «محمد سعد الکتاتنی» به سمت دبیر کلی حزب انتخاب گشت.

۲-۲-۱. نواخوانی‌ها

حضور اخوان المسلمین در صحنه سیاسی کشور مصر و اتخاذ مشی محافظه‌کارانه در برابر حکومت که تا امروز هم شاهد آن هستیم، اگرچه در مواردی نتایجی مثبت به همراه داشته است، لیکن خود موجب جدایی تعدادی از نیروها و رهبران این گروه و تأسیس احزاب و مجموعه‌هایی با همین اندیشه ولی رهیافتی - تا حدودی - متفاوت، شد (الشوبکی، ۲۰۱۴، صص ۲-۱۳).

۱-۲-۲-۱. حزب وسط جدید

حزب الوسط پس از ۱۵ سال کشمکش با نظام مبارک سرانجام در ۱۹ فوریه ۲۰۱۱، فعالیتش از سوی دادگاه عدالت اداری قانونی اعلام شد. علی‌رغم خاستگاه اخوانی حزب الوسط، در نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی، به لحاظ سازمانی، فکری و سیاسی در چارچوب دیگری قرار گرفت؛ اما گفتمان آن همچنان ریشه در منظومه تمدن اسلامی دارد. موضوع محوری برنامه حزب الوسط، حول اصول دموکراسی مانند آزادی، برابری، شهروندی و عدالت اجتماعی است؛^{۱۸} از جمله تفاوت‌های حزب یادشده با تشکیلات سنتی اخوان المسلمین، تأکید بر برابری کامل شهروندان بدون توجه به دین و جنسیت است.

۱-۲-۲-۲. حزب نهضت

النهضة از اولین تلاش‌های حزبی در جماعت اخوان المسلمین، بعد از انقلاب به شمار می‌رود که توسط «ابراهیم الزعفرانی»^{۱۹} یکی از رهبران نسل دوم اخوان، تأسیس شد. فلسفه وجودی حزب النهضة، بر اساس اندیشه دولت مدنی و برابری سیاسی شهروندان بدون توجه به دین و جنسیت - مسلمان یا مسیحی، مرد یا زن - استوار است. از دیدگاه این حزب، حداکثر مدتی که یک منصب سیاسی می‌تواند اشغال شود، ۵ سال است. این حزب، خواهان تشکیل دولتی دموکراتیک است و در همین راستا، رهبران آن معتقدند که بهترین شکل حکومت، نظام دموکراتیک ریاستی - مجلسی (پارلمانی) است که در راستای آن شهروند مصری در فضایی از آزادی، عدالت و برابری به حقوق سیاسی و اجتماعی خود دست پیدا می‌کند.^{۲۰}

۱-۲-۳. حزب پیشگام

مؤسسان حزب الریاده از جمله «خالد داوود» و «هیثم ابوخلیل»، دو تن از بارزترین شخصیت‌های اخوانی با اندیشه اصلاحی هستند.^{۲۱} می‌توان گفت که برنامه سیاسی حزب مزبور در مقایسه با تشکیلات سنتی اخوان تا حدودی پیشرفته‌تر است؛ چراکه بین فعالیت سیاسی و دعوت تمایز قائل می‌شوند. این حزب، به‌عنوان حزبی سیاسی و نوظهور در صحنه سیاسی مصر جدید، خواهان بازگرداندن معنویت به حیات سیاسی مصر جدید است. از این رو، نگرشی کاملاً متفاوت از حزب «آزادی و عدالت» دارد که از جمله تفاوت‌های آن دو می‌توان به قاطعیت بیشتر الریاده در مرجعیت شریعت اسلامی به‌عنوان اساس فعالیت سیاسی در مقایسه با «آزادی و عدالت» اشاره داشت. تفاوت دیگر، موضع متفاوت هر دو حزب در خصوص قبطی‌ها و زنان در مصر است.^{۲۲}

از جمله مؤلفه‌هایی که این حزب بر آن بسیار تأکید دارد، توسعه (با تمامی ابعاد آن) است. به همین سبب، شعار خود را «توسعه بشری توسط انسان برای انسان» قرار داده است که نشان از مؤلفه‌ای دموکراسی و شهروندی در برنامه این حزب است. از سوی دیگر، این پیشرفت را در چارچوب ارزش‌های اسلامی و بین‌المللی‌گرایی عزتمندانه تعریف می‌کند. به همین خاطر، حق‌گرایی و قانون‌مندی را اصلی می‌داند که می‌بایست در عرصه بین‌المللی رعایت شود.

۱-۲-۴. حزب «جریان مصری»

حزب جریان مصری که توسط کسانی چون اسماء محفوظ، عبدالرحمن هریدی، مصطفی عبدالرازق و محمد القصاص (جداشدگان از اخوان) تأسیس شد (الشریف، ۲۰۱۱)، عمده‌ترین تلاش کثرت‌گرایانه در جماعت اخوان‌المسلمین است. علت این امر، فقط پافشاری حزب بر حضور فعال در عرصه سیاسی و رسانه‌ای مصر نیست بلکه ماهیت بنیان‌گذاران حزب التیار المصری، آن‌ها را به این سو کشانده است. گروه مؤسس این حزب، از جوانانی اخوانی تشکیل شده است که در روند انقلاب تلاش‌های بسیاری کردند. در واقع، این حزب، در واکنش به تعامل جماعت با گروهی از جوانان در روزهای اول انقلاب، و اتهام آن‌ها به خروج از چارچوب سازمانی اخوان، تأسیس شده است. جریان مصری، به‌عنوان حزبی مدنی-دموکرات، دارای جهت‌گیری‌های میانه بوده که بر هویت عربی-اسلامی و وابستگی‌های

جغرافیایی آفریقا تأکید می‌دارد. بها دادن به ارزش‌هایی چون آزادی، تحول دموکراتیک قدرت، افزایش نقش جامعه مدنی، دوری از دسته‌بندی‌های ایدئولوژیکی و عدم توجه به تقسیمات لیبرال- سوسیال یا اسلامی- سکولار، ارائه برنامه‌های علمی و راه‌حل‌های ابتکاری فراتر از مسائل ایدئولوژیک از اهداف سیاسی حزب جریان مصری به شمار می‌آیند.

۱-۲-۵. حزب جامعه صلح و توسعه

«حامد الدفراوی» یکی از بارزترین شخصیت‌های بحران دفتر ارشاد در سال ۲۰۰۹- به همراه خالد داوود و ابراهیم الزعفرانی- به دنبال تأسیس حزب صلح و توسعه بوده است. هدف محوری این حزب، وحدت وادی نیل با کشورهای عربی و اسلامی است. از دیگر اهداف آن نیز می‌توان به تحقق عدالت اجتماعی بین قشرهای مختلف مصر اشاره کرد.^{۲۳}

۱-۲-۶. حزب اتحاد برای آزادی

حزب اتحاد برای آزادی از جمله احزابی با برداشتی جدید از مشی اخوانی است که پس از تحولات ژانویه ۲۰۱۱ از سوی برخی حقوق‌دانان جماعت شکل گرفته است. این گروه که هدف خود را تحقق آرمان جماعت مبنی بر مبارزه با خشونت‌طلبی و گسترش صلح‌طلبی در مصر می‌دانند، مرجعیت اسلامی را اساس کنش سیاسی خود به‌عنوان حزب مدنی معتدل می‌دانند. از این‌رو، دموکراسی را جهت بردار خود در صحنه فعالیت سیاسی عنوان می‌دارند و عدم دخالت نیروهای امنیتی و نظامیان در عرصه سیاسی- اجتماعی مصر و نظام حکمرانی آن را، راه تحقق دموکراسی برمی‌شمرند.^{۲۴}

۱-۲-۳. اسلام‌گرایان مستقل

مقصود از مستقل بودن در این گروه از اسلام‌گرایان، آن دسته از گروه و احزاب سیاسی مصر است که در هیچ‌کدام از دسته‌بندی اخوانی و سلفی- رادیکال قرار نمی‌گیرند و تاکنون هم مشی استقلالی خود را رها نکرده‌اند.

۱-۳-۲-۱. حزب توسعه و سازندگی

حزب توسعه و سازندگی، با شعار «سازندگی، توسعه، شریعت اسلامی، آزادی سیاسی و عدالت اجتماعی» از جمله ثمرات انقلاب ژانویه است. انگیزه‌ای که مؤسسان این حزب را به سوی تأسیس آن کشانده است، ساخت مصر جدید است. از این رو غایت خود را این گونه بیان می‌دارند: «هدف از تأسیس، تحقق رضایت الهی در وهله اول و تحقق مصالح کشور و بندگان خدا برای نیل به سعادت دنیا و آخرت است تا که مصر و مصریان، جایگاه دیرین خود را باز یابند».^{۲۵}

۱-۳-۲-۲. حزب وحدت عربی

اساس نامه حزب وحدت عربی، از سوی برخی رهبران اسلامی و اعضای سابق حزب کار اسلامی مانند «محفوظ عزام»، رئیس سابق حزب کار، «صلاح عبدالمتعال» و «محمد الدماطی» تنظیم شده است. ایدئولوژی این حزب، نوعی ناسیونالیسم عربی-اسلامی است که هدف اصلی آن، تغییر وضعیت داخلی مصر و طرد استعمار خارجی است.^{۲۶} تفاوت عمده حزب یادشده با دیگر احزاب اسلامی در این است که از جمله مبادی آن، مرجعیت اسلامی، محکومیت و مخالفت آشکار با جریان‌های سکولار است. این حزب، الگوی مجلس شورایی (پارلمانی) را به دلیل ایجاد زمینه‌های رقابتی آزاد و عادلانه در چارچوب آگاهی سیاسی شهروندان، بهترین شکل نظام سیاسی تلقی می‌کند (حزب التوحید العربی همچنین در برنامه سیاسی خود، از تکثرگرایی (پلورالیسم) سیاسی، تفکیک قوا، برابری مسلمانان با مسیحیان و بازگردانی نقش رهبری مصر در منطقه عربی از دریچه لغو معاهده کمپ دیوید، حمایت می‌کند. در همین راستا، لازم به ذکر است که از جمله مؤلفه‌های اساسی این حزب، مبارزه با رژیم صهیونیستی و آمریکا است به گونه‌ای که دخالت و نفوذ آن‌ها در مصر را به مثابه پرتگاهی می‌داند که هر آن ممکن است مصر را به مهلکه نزع درونی سوق دهند.

۱-۳-۲-۳. حزب رهایی بخش صوفی

از جمله طریقت‌های صوفی در جهان اسلام، می‌توان به صوفیان مصر اشاره کرد. برخی برآوردها حاکی از آن است که تعداد طریقت‌های صوفی مصر، به حدود ۷۵ جنبش می‌رسد. نظام مبارک

برای ایجاد توازن بین نیروهای دینی و بالا بردن مشروعیت حزب حاکم، از این گروه‌ها، علی‌رغم بی‌ارتباطی‌شان با حوزه سیاست، سود می‌برد. همین اقدام از سوی مبارک، در دو سال پایانی حیات سیاسی خود و حزبش، موجب اختلال و شکاف درون نیروهای صوفی گشت. یکی از جلوه‌های این شکاف، ظهور «گروه اصلاح‌طلب صوفی» به ریاست شیخ «محمد علاء ابوالعزائم» بود. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که اندیشه تأسیس حزب سیاسی صوفیان مصر، پیش از انقلاب و پس از دعوت «شیخ محمد عبدالمجید الشرنوبی»- شیخ طریقت شرنوبی برهامی- شکل گرفت. پس از انقلاب ۲۵ ژانویه با افزایش تنش بین جریان‌های صوفی و سلفی از یک طرف و تهدید قبطی‌های مصر از سوی دیگر، حزب «تسامح اجتماعی» صوفی تأسیس شد. در سپتامبر ۲۰۱۱ نیز، شیخ ابوالعزائم و «ابراهیم زهران»، حزب «التحریر المصری» برای نمایندگی جریان صوفی را تأسیس کردند.^{۲۷} این حزب، با ماهیتی اصلاح‌طلبانه و مدنی، به دنبال حاکمیت دولت مدنی دموکراتیک، مخالفت با تروریسم، جلوگیری از خشونت و مبالغه فکری است و علاوه بر آن، حمایت از حقوق شهروندی و برابری، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های دینی را بر اساس اصول شریعت اسلامی دنبال می‌کند.^{۲۸}

۱-۲-۳-۴: حزب وحدت و رهایی‌بخش شیعی

شیعیان مصر مانند دیگر احزاب دینی و اسلامی، بعد از انقلاب، برای دفاع از منابع و جهت‌گیری‌های فکری خویش، پیگیر تأسیس حزبی سیاسی بودند. تضاد نظام مبارک با جریان شیعی، فقدان آمار رسمی از تعداد شیعیان (بسیاری از شیعیان از ترس دیکتاتوری مبارک دست به تقیه می‌زدند) و تفاوت دیدگاه‌های نظام سیاسی مبارک با جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان، از چالش‌های اساسی گروه‌های شیعی در مصر قبل از انقلاب بود. در همین راستا، علی‌رغم اینکه بیشتر شیعیان مصر هیچ‌گونه ارتباطی با گروه‌های سیاسی خارجی نداشتند، صدها تن از شیعیان در نیمه پایانی حکومت مبارک دستگیر شدند. به این دستگیرشدگان برچسب مظنونین تروریست زده می‌شد و به اتهامان ساختگی زندانی می‌شدند.^{۲۹} یکی از رهبران شیعیان مصر به نام «طارق الهاشمی»، وضعیت شیعیان در مصر قدیم را این‌گونه برمی‌شمرد که همکاری وسیع حسنی مبارک با وهابی‌های سعودی در سرکوب و ممنوعیت شیعیان در تمامی امور، مانع از آن می‌شد که شیعیان فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی داشته باشند.^{۳۰} پس از دعوت برخی شیعیان

مصر برای تأسیس حزب «الغدیر»، اندیشهٔ ایجاد حزب سیاسی رشد یافت، اما با مخالفت شدید برخی فعالان شیعی از جمله «احمد راسم النفیس» روبه‌رو شد. جالب‌توجه اینکه خود ایشان چندی بعد در سپتامبر ۲۰۱۱، سند تأسیس حزب یادشده را تحت عنوان «حزب الوحده و التحریر» به کمیسیون احزاب تقدیم کرد.^{۳۱}

جمع‌بندی

شکل‌گیری تحولات سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی که از انقلاب یاس تونس آغاز گشته بود و با رسوخ به مصر راه خود را به سرعت پیموده و بعضاً عصایی قرار گرفته است در دستان استعمار تا مخالفین خود را از گردباد آن بی‌نصیب نگردانند. به‌هر حال، این تحولات در کشور مصر، موجب شد تا گروه‌بندی‌های سیاسی و جبهه‌گیری‌ها، تعریفی نو یافته و چارچوبی جدید پیدا کنند. بدون شک هر کدام از این گروه‌ها، از نوعی منظومهٔ معنایی پیروی می‌کنند که در قالب منطق گفتمانی خاصی تعریف می‌یابد؛ بنابراین، می‌توان مدعی شد تحولات یادشده تقسیم‌بندی‌های گفتمانی را تغییر داده و مفصل‌بندی جدیدی از دال‌های شناور حوزهٔ گفتمان گونگی گفتمان اقتدارگرای مبارک، به شکل‌گیری گفتمان‌هایی چند از جمله گفتمان اسلام‌گرا منجر شده است. این گفتمان که در تقابل با گفتمان سکولار حیات یافته و در حرکت است، خود در دو طیف دموکرات و اقتدارگرا تقسیم‌بندی می‌شود. بر این اساس، این مقاله در پاسخ به این پرسش که اصول و مؤلفه‌های گفتمان اسلام‌گرای دموکرات چیست، به این نتیجه می‌رسد که گفتمان یادشده با مرکزیت اسلام سیاسی به‌عنوان دال مرکزی خود، دال‌های شناور مزبور را معنابخشی کرده و هویتی تازه آفریده است. دال‌های یادشده را می‌توان شامل مردم‌سالاری، نشر ارزش‌های اسلامی، قانون‌گرایی، عدالت اجتماعی، سیاست خارجی عزتمند، توسعه اجتماعی- فرهنگی، توسعه اقتصادی، هویت اسلامی- عربی، نفی خشونت، نفی رابطه با رژیم صهیونیستی، وحدت اسلامی، جامعه مدنی و حمایت از فلسطین برشمرد که معنای خود را از اسلام سیاسی می‌گیرند. در همین راستا، گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی که از این منطق گفتمانی پیروی می‌کنند، شامل، اخوان‌المسلمین «حزب آزادی و عدالت»، نواخوانی‌ها و اسلام‌گرایان مستقل است.

یادداشت‌ها

۱. رک. «صیانت از بیداری اسلامی» در تارنمای: <http://www.islamicgc.com> Article// (shaw.aspx.ID= 809).
۲. شبکه الجزیره مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۳. <http://www.elshaab.org/> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۴. <http://www.siasi.porsemani.ir/> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۵. <http://www.mafhoum.com/press3/111E20.htm> مشاهده‌شده در تاریخ: ۱۳۹۴/۶/۴.
۶. <http://fa.alalam.ir/news/1491766> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۷. <http://fa.cmess.ir/> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۸. <http://www.alwasatparty.com/program.php> #«راهبرد خارجی حزب الوسط» مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۹. <https://ar-ar.facebook.com> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۱۰. <http://www.albayan.co.uk/> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۱۱. <http://eghtesadbartar.ir/> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۱۲. <http://www.alwasatparty.com/program.php> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.
۱۳. <http://www.alvadossadegh.com/> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵.
۱۴. <http://www.momtaznews.com/> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵.
۱۵. <http://forums.egyptladies.org/showthread.php?t=111165> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵.
۱۶. http://www.fj-p.com/Party_InPress_Details.aspx?Kind=8&News_ID=75176 مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵.
۱۷. <http://www.icana.ir/Fa/News/159419> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵.
۱۸. <http://www.france24.com/ar/20150221> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۱۹. <http://gate.ahram.org.eg/News/399255.aspx> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۲۰. <https://www.facebook.com/NahdaParty?sk=wall> مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.

۲۱. <http://elbadil.com/2014/08/09/> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۲۲. http://www.elsyasi.com/civil_detail.aspx?id=66 مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۲۳. <https://ar-ar.facebook.com/pages/%D8%AD%D8%B2%D8%A8-> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۲۴. <http://www.aljazeera.net/news/arabic/2007/8/11/> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۲۵. <https://ar-ar.facebook.com/benaawatanmia> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۲۶. <https://ar-ar.facebook.com/shbab.altwhedalarby> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۲۷. <https://www.facebook.com/altwhedalarby> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۲۸. <http://www.dotmsr.com/details/1-> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۲۹. <http://mouood.org> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۳۰. <http://www.shia-news.com> مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶.
۳۱. «التکفیر؛ خطر و ضوابطه به قلم حسن قاطرچی» مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶ <http://www.alrashead.net/index.php?partd=18&derid=1830>

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابراهیم، فؤاد (۲۰۱۲)، *العقیده والسیاسة: الوهابیة وآل سعود مثلاً*، بیروت: دار المیزان.
- ابودوح، خالد کاظم (۲۰۱۱) «ثوره ۲۵ کانون الثانی / ینایر فی بر مصر... محاوله للفهم السوسیولوجی»، *المستقبل العربی*، مایو، العدد ۳۸۷.
- همو (۲۰۱۱)، «نحو سوسیولوجیا جدیده لفهم ثوره المصریین»، *الديمقراطية*، مایو، العدد ۴۲، اپریل.
- ابوطالب، حسن (۲۰۱۵)، *المصريون والثورة... من الميدان الى البرلمان*، القاهرة: دار المعارف.
- اکبری نورآبادی، نورالدین (۱۳۹۱)، «بررسی انقلاب مصر و انطباق آن با انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه ۱۵ خرداد*، دوره سوم، سال دهم، ش ۳۳، پاییز.
- بلتاجی، محمد (۲۰۰۷)، *فی النظام الإقتصادي الاسلامی*، القاهرة: دار السلام.

تاجیک، محمدرضا و روزخوش، محمد (۱۳۸۷)، «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، س ۱۶، ش ۶۱، تابستان.

<http://mubasher.aljazeera.net/news/2012/11/20121130113251987535.htm> الجزیره عربی

مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴.

حندوسه، هبة (۲۰۱۰)، *شباب مصر؛ بناء مستقبلنا*، مصر: معهد التخطيط القومي.

خاکپور، براتعلی و باوان‌پوری، علیرضا (۱۳۸۸)، «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ش ۱۲، بهار و تابستان.

خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۲)، *انقلاب در مصر؛ الازهر، اخوان، حاکمیت، سلفی‌ها، جوانان*، تهران: الهدی.

ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۰)، «جنبش‌های مردمی در جهان عرب: بهار عربی یا بیداری اسلامی؟»، *پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه*، ۱۳ آذر.

الریسونی، احمد (۲۰۱۳)، *مراجعات فی الفقه الإسلامی*، بیروت: دار الکلمة.

زیباکلام، صادق (۱۳۹۰)، «اسلام‌گرایان مصر و اقتصاد»، در:

http://www.jamaraman.ir/NewsContent-id_20027.aspx

زیدان، یوسف (۲۰۱۵)، *فقه الثورة، القاهرة*: دارالمعرفة.

سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر نی.

الشریف، سعید (۲۰۱۲)، *الوهابیة مذهب الكراهیة*، بیروت: دار المیزان.

شعیب، سعید (۲۰۱۵)، *زوال دولة الإخوان، القاهرة*: دار الشروق.

الشقیفی، المارینی ندی (۲۰۱۵)، *الربیع العربی: الأفق الأسود*، بیروت: باحث الدراسات الفلسطينية والاستراتيجية.

الشوبکی، عمرو (۲۰۱۴)، *الحركات الاحتجاجية فی الوطن العربی*، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية.

همو (۲۰۱۴)، *الدین والدولة والتيارات الإسلامیة فی مصر*، القاهرة: منتدى البدائل العربی للدراسات.

- عبدالقدوس، محمد (۲۰۱۵)، «مأساة مصرية منذ نصف قرن»، در:
http://www.fj-p.com/ByVisitorPen_Details.aspx?ID=2294
- همو (۲۰۱۵)، «متى ترحب الحكومة بخلط الدين بالسياسة؟»، در:
http://www.fj-p.com/ByVisitorPen_Details.aspx?ID=2282
- عبداللطيف، أميمة (۲۰۱۲)، «الإسلاميون والثورة»، در فضيل عبدالمجيد (۲۰۱۲) *الثورة المصرية؛ الدوافع والاتجاهات والتحديات*، بيروت: المركز العربي للأبحاث ودراسة السياسات. عضدانلو، حميد (۱۳۹۲)، *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.
- العودة، سلمان (۲۰۱۲)، *أسئلة الثورة*، بيروت: مركز نماء للبحوث والدراسات.
- عويس، فوزى (۲۰۱۳)، *المنشقون عن الإخوان: رؤى فى حكم الجماعة*، بيروت: سما.
- الفضيل، محمود (۲۰۱۲)، *الثورة المصرية؛ الدوافع والاتجاهات والتحديات*، بيروت: المركز العربي للأبحاث ودراسة السياسات.
- كريم، حسن (۲۰۱۳)، *الربيع العربي: ثورات الخلاص من الاستبداد: دراسة حالات*، القاهرة: شرق الكتاب.
- كريمى، مصطفى (۱۳۹۴)، *گفتمان شهادت: بررسى مفهوم شهادت با رویکرد تحليل گفتمان*، تهران: نشر مرزوبوم.
- ليلة، على (۲۰۱۲)، *دور الاقباط فى بناء المجتمع المصرى*، القاهرة: مركز المسبار
- ناجى، محمد (۲۰۱۴)، *الحركة الطلابية: من تنحى مبارك إلى عزل مرسى*، القاهرة: مؤسسة حرية الفكر والتعبير.
- هويدى، فهمى (۱۳۹۰)، «چرا ادبيات لاييکهاى مصر در قبال اسلام گراها مشابه اسرائيلى هاست؟»، در: <http://www.ghatreh.com/news/nn8928279>
- يوسف، عبدالرحمن (۲۰۱۵)، «حرب الذاكرة... من بشائر النصر»، در:
http://www.fj-p.com/ByVisitorPen_Details.aspx?ID=2291

Osman, Tarek (2010), Egypt on the Brink From Nasser to Mubarak. University Press.

وب‌گاه‌ها

- <https://ar-ar.facebook.com/benaawatanmia> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)
- <https://ar-ar.facebook.com> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴)
- <https://ar-ar.facebook.com/pages/%D8%AD%D8%B2%D8%A8-shbab.altwhedalarby> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)
- <http://eghtesadbartar.ir> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴)
- <http://elbadil.com/2014/08/09> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)
- <http://fa.alalam.ir/news/1491766> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴)
- <http://fa.cmess.ir> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴)
- <http://forums.egyptladies.org/showthread.php?t=111165> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵)
- <http://gate.ahram.org.eg/News/399255.aspx> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)
- <http://mouood.org> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)
- <http://www.albayan.co.uk> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴)
- <http://www.aljazeera.net/news/arabic/2007/8/11> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)
- <http://www.alrashead.net/index.php?partd=18&derid=1830> «التکفیر؛ خطر و ضوابطه به قلم حسن قاطرچی» (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)
- <http://www.alvadossadegh.com> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵)
- <http://www.alwasatparty.com/program.php> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴)
- <http://www.alwasatparty.com/program.php> «راهبرد خارجی حزب الوسط» (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)
- <http://www.dotmsr.com/details/1-> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)
- <http://www.elshaab.org> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴)

http://www.elsyasi.com/civil_detail.aspx?id=66 (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)

<https://www.facebook.com/NahdaParty?sk=wall> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)

<https://www.facebook.com/altwhedalarby> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)

http://www.fj-p.com/Party_InPress_Details.aspx?Kind=8&News_ID=75176
(مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵)

<http://www.france24.com/ar/20150221> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)

<http://www.icana.ir/Fa/News/159419> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵)

<http://www.mafhoum.com/press3/111E20.htm> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴)

<http://www.momtaznews.com> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵)

<http://www.shia-news.com> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۶)

<http://www.siasi.porsemani.ir> (مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۴)